

ارایه چارچوب تحلیل موضوعات ژئوپلیتیک دفاعی مبتنی بر آینده‌نگاری راهبردی

محمد یوسفی خرایم^۱

اشکان یوسفی^{۲*}

حاکم قاسمی^۳

فرهاد درویشی سه تالانی^۴

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف از این مطالعه ارایه چارچوبی آینده‌پژوهانه برای تحلیل موضوعات ژئوپلیتیک دفاعی می‌باشد. ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی ناظر بر اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی نظیر موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی و هوایی)، وسایل ارتباط جمعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. در پژوهش حاضر پس از بررسی ادبیات نظری ژئوپلیتیک و آینده‌نگاری راهبردی و بررسی تطبیقی عوامل ژئوپلیتیک، چارچوبی برای تحلیل موضوعات ژئوپلیتیک دفاعی مبتنی بر آینده‌نگاری راهبردی ارایه می‌گردد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی و از نوع توصیفی - پیمایشی است که در آن از روش ترکیبی استفاده شده است. روش گردآوری داده؛ مصاحبه، بررسی و تحلیل اسناد و مدارک و مقالات مرتبط و استفاده از پرسش‌نامه است. همچنین چارچوب نهایی و توالی گام‌های فرآیند با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری استخراج گردیده است. نتایج نشان می‌دهند که چارچوب مذکور از پنج سطح تشکیل شده است و دارای گام‌هایی نظیر؛ تحلیل کنشگران حال و آینده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر بر ژئوپلیتیک دفاعی، وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی، کشف و شناخت وضعیت مطلوب ژئوپلیتیک دفاعی، شناخت و طرح‌ریزی ژئوراهبردها و موقعیت‌های راهبردی، ارزیابی مستمر موضوعات ژئوپلیتیک و همسویی اقدام‌ها و راهبردها با اهداف و علایق ژئوپلیتیک می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

آینده پژوهی، آینده‌نگاری راهبردی، ژئوپلیتیک دفاعی، مدل‌سازی ساختاری تفسیری.

۱. پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲. دانشجوی دکتری تخصصی آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع)

۳. دانشیار گروه آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع)

۴. مدیر گروه آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع)

مقدمه

در گذشته رابطه جغرافیا با سیاست و قدرت مورد توجه دانشمندان و سیاستمداران بوده است. در دوره یونان قدیم ارسطو و استرابو و در دوره قرون وسطی دانشمندانی نظیر مونتسکیو و در قرن ۱۹ جغرافی‌دانانی چون رینر، راتزل به مباحث مربوط به جغرافیا و سیاست پرداخته‌اند. در دوره اسلامی نیز دانشمندانی نظیر ابن خلدون به مطالعه رابطه بین عوامل جغرافیایی و محیط طبیعی با سیاست پرداخت و نظریه معروف خود را درباره قبیله و شهر یعنی دو واحد قدرتمند سیاسی در آن زمان و نیز چرخه پیدایش و سقوط دولت‌ها بر پایه آن ارایه نمود (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۵).

پیچیدگی مسائل و سرعت تغییرات و همچنین حساسیت موضوعات ژئوپلیتیک دفاعی و کافی نبودن استفاده از ابزار سنتی در بسترهای تصمیم‌گیری، ضرورت ایجاد یک چارچوب نوین با بهره‌گیری از ابزار آینده پژوهانه به‌منظور پیشگیری از غافلگیری و تدقیق و تعمیق تصمیمات با بررسی ابعاد گوناگون مسائل را بر همگان آشکار نموده است؛ چارچوبی که بتواند به‌عنوان یک الگوی کاربردی، متخصصان را در مراحل گوناگون، همراهی نماید.

با توجه به نقش و اهمیت قدرت دفاعی-نظامی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد قدرت ملی در ایجاد بازدارندگی و تأمین امنیت و منافع ملی کشور، مطالعه و کاوش در این خصوص جهت شناسایی مهمترین عوامل تأثیرگذار بر قدرت دفاعی کشور در راستای تقویت و رشد عوامل کلیدی، و به‌تبع آن تقویت قدرت ملی کشور از بدیهیات و ضروریات امر می‌باشد و عدم توجه به این مهم با توجه به موقعیت ژئواستراتژیکی کشور و تنوع تهدیدهای متصور در آینده، خود منجر به ایجاد صدمه و خسارت به منافع و اقتدار ملی کشور و کاهش امنیت ملی در دراز مدت خواهد گردید (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۴).

کیلن واضع واژه ژئوپلیتیک است وی کشورها را به‌عنوان موجود زنده دارای ساختاری پنج وجهی معرفی کرد که عبارت بود از ساخت سیاسی یا کراتوپلیتیک، ساخت اقتصادی یا اکوپلیتیک، ساخت اجتماعی یا سوسیوپلیتیک، ساخت جمعیتی یا دموپلیتیک، ساخت فیزیکی-فضایی یا ژئوپلیتیک. کیلن روابط کشورها را بر اساس قدرت تبیین می‌کرد و معتقد بود که قدرت یک پدیده روان‌شناختی و دینامیک است (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۳).

شناخت ژئوپلیتیک، بخشی از یک فن قدیمی است که در شکل کلاسیک خود بر جغرافیا عامل تعیین کننده اصلی تولید امنیت و قدرت توسط دولت در عرصه بین‌الملل تأکید دارد. از دیدگاه سنتی، محل استقرار یک کشور، همسایگان آن، محورهای ارتباطی و منابع فیزیکی، عواملی تغییر

ناپذیر و مصالحی بنیادی تلقی می‌شوند که اعمال یک دولت را محدود می‌کنند (مایل‌افشار، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

از قرن‌ها قبل کشور ایران به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی خود، نقش ارزنده‌ای در راهبردهای ژئوپلیتیک داشته و همواره در کانون توجه قدرت‌های جهانی بوده است؛ از این رو کسب قدرت و بزرگی، چیزی دور از ذهن و غریب نمی‌باشد اما ذکر این نکته ضروری است که تاریخ ایران خود تا اندازه‌ای متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی آن است: همسایگان، محورهای ارتباطی و مسیرهای هجوم بر مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی و قومی تأثیر مستقیم می‌گذارد و تجربه تاریخ نیز، در قالب‌ریزی آن خصوصیات که با اسامی گوناگون فرهنگ سیاسی یا خصوصیات ملی مشخص می‌گردد، تأثیر زیادی دارد (مایل‌افشار، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

اهمیت جغرافیای فیزیکی و سیاسی در سیاست بین‌الملل، بدیهی است. آب و هوا، دسترسی (یا فقدان دسترسی) به منابع، پتانسیل کشاورزی ملی و عوامل مشابه، تأثیر قابل توجهی بر امنیت ملی پایدار دارد (شیراوند و هاشمی، ۱۳۹۵) و از این رو است که از منظر دفاعی، اهداف ژئوپلیتیک و راهبردها و در بعد کاربردی تر ژئواستراتژی برای تحقق اهداف ژئوپلیتیک مورد توجه قرار می‌گیرد. اما مسئله اینجاست که کاربست برنامه‌ریزی راهبردی و تدوین راهبردهای منطقه‌ای دفاعی به دلیل شرایط پیچیده و متغیر آینده منطقه، نیازمند به کارگیری ابزار نوین و تخصصی خود یعنی آینده‌نگاری راهبردی است که به عنوان یکی از موثرترین راه‌کارهاست. لذا کاربرد آینده‌نگاری راهبردی با توجه به کارآمدی آن برای محیط‌های به شدت متغیر و پیچیده در حوزه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی می‌تواند کاستی‌های احتمالی برنامه‌ریزی راهبردی را جبران نموده و آینده ژئوپلیتیکی مطلوب را که نه تنها یک آینده بهبودیافته بلکه چه‌بسا آینده متفاوتی از حال می‌باشد، شکل دهد.

عدم توجه به آینده‌نگاری راهبردی و استمرار پیروی از مدل‌ها و رویکردهای سنتی برنامه‌ریزی راهبردی می‌تواند به تدوین راهبردهایی آسیب‌پذیر در شرایط عدم اطمینان محیطی منجر شود و توجه بیشتر به این رویکرد نوین ضروری می‌نماید (ایجابی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

علت عمده بحران‌ها، شکست‌ها و غافلگیری‌های راهبردی در سطوح ملی، فرو ملی و سازمانی و فردی به نبود یا ضعف در پیش‌بینی و آینده‌نگری برمی‌گردد (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

۱. استراتژی/ "نگارنده یا نگارندگان مقاله با رعایت مالکیت معنوی منابعی که از آن‌ها در تدوین این مقاله استفاده کرده‌اند، بجای تلفظ انگلیسی کلمات در متن مقاله، از کلمات معادل فارسی مناسب مصوب فرهنگستان فارسی به کار گرفته‌اند."

در دنیای کنونی، مطالعه درباره آینده و تلاش برای پیش‌بینی آینده روندهای موجود و ویژگی‌های روندها و پدیده‌های نوظهور و در ادامه آن، ساختن به دست انسان امروز، از ویژگی‌های اصلی آینده‌نگاری راهبردی در حوزه‌های مختلف دانش بشری به شمار می‌رود (تیشه‌یار، ۱۶:۱۳۹۰).

آینده‌نگاری دارای وجوه بسیار متفاوتی می‌باشد. تمامی اهداف آن می‌توانند در سطوح سازمانی، محلی، منطقه‌ای، ملی یا فراملی دنبال شوند. مقیاس زمانی آینده‌نگاری نیز دامنه‌ای از آینده نزدیک تا افق دور را در برمی‌گیرد. گستره بازیگران درگیر، فرآیندها و روش‌های مورد استفاده و حتی وضعیت فعالیت‌ها به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای متفاوت است. دامنه آینده‌نگاری از تدابیر روش‌شناختی تا اقداماتی با انگیزه سیاسی مهم گسترده است. آینده‌نگاری در دنیای امروز با اقبال فراوانی مواجه شده و کشورها، مناطق و شرکت‌های مختلف به‌طور منظم، منسجم و هماهنگ راجع به آینده مطلوب در جهانی که به‌صورت فزاینده به سمت پیچیده‌تر شدن در حرکت است، شروع به برنامه‌ریزی می‌نمایند (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

اقتضائات و شرایط هر زمان ما را مجبور به بازنگری در مفاهیم، پیش‌فرض‌ها و روش‌های قبلی خود می‌سازد، تفاوت‌های دنیای امروزی با جهان گذشته را می‌توان حداقل در چهار مؤلفه ذیل نگریست، چهار مؤلفه‌ای که از دید بسیاری از خبرگان آینده‌نگاری، همچون مارتین چهار پیشران اصلی اقبال و توجه به آینده‌نگاری بوده‌اند و عبارت‌اند از: (martin, 1995)

۱. افزایش محدودیت‌ها بر هزینه بخش عمومی

۲. افزایش پیچیدگی

۳. افزایش اهمیت توانش علم و فناوری

۴. افزایش رقابت

مهم‌ترین کارکردهای آینده‌نگاری را می‌توان تعیین جهت، شناسایی روندهای نوآیند، سازگار سازی اهداف با نیازهای شناخته شده، حمایت و ارتقای تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های هماهنگ با ترجیحات ذینفعان، ارتقای ارتباطات خارجی با کاربران پژوهش و آموزش و سرانجام، تعیین اولویت‌ها دانست (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

آینده‌نگاری، یک پاسخ و به نظر مارتین و ایروین تنها پاسخ قابل قبول برای برطرف نمودن تعارضات ناشی از اولویت‌گذاری است، تعارضاتی که به‌وسیله افزایش تدریجی هزینه‌های آزمایشات، منابع محدود، پیچیدگی تصمیم‌گیری‌های علمی و اعمال فشارهای مختلف جهت دستیابی به ارزش واقعی پول و در نظر گرفتن جنبه‌های اقتصادی اجتماعی، ایجاد می‌شود. آینده‌نگاری، حداقل در مبانی و اصول خود، یک ساز و کار نظام‌مند به‌منظور فائق آمدن بر

پیچیدگی‌ها و وابستگی‌های متقابل تصمیم‌ها ارایه می‌کند. آینده‌نگاری این عمل را از طریق تحت‌تأثیر قرار دادن تصمیم‌گیری‌های بلند مدت در خصوص تحقیقات و به‌خصوص تسهیل نمودن فرآیند سیاست‌گذاری هنگامی که یکپارچگی و هماهنگی فعالیت‌ها در چندین بخش مختلف امری حیاتی است، به انجام می‌رساند (Keenan, 2003).

با توجه به موارد بیان شده و وجود پیچیدگی‌های فراوان در مسائل ژئوپلیتیک و سرعت زیاد در تغییرات ابعاد گوناگون مسأله، لزوم بهره‌گیری از ابزارهای بروز و کاربردی در بررسی، شناسایی، تشخیص، انتخاب و اجرای تصمیمات بیش از پیش احساس می‌شود و مفاهیم آینده پژوهانه می‌تواند ما را در این عرصه، یاری‌رساند؛ لذا در پژوهش حاضر پس از بررسی ادبیات نظری ژئوپلیتیک و آینده‌نگاری راهبردی و بررسی تطبیقی عوامل ژئوپلیتیک، چارچوبی برای تحلیل موضوعات ژئوپلیتیک دفاعی مبتنی بر آینده‌نگاری راهبردی ارایه می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

آینده‌نگاری

دو اصطلاح کلیدی آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری از مفاهیمی هستند که بعضاً به‌جای هم به کار رفته‌اند اما تفاوت‌های آشکاری دارند. آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی گسترده که موضوع اصلی آن شناخت آینده‌ها به صورت روشمند و نظاممند است در سیر تکوینی خود با حوزه‌های دیگری مانند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تلفیق یافته است و منجر به شکل‌گیری گرایشی از مطالعات آینده‌پژوهی شده است که با عنوان آینده‌نگاری شناخته می‌شود. آینده‌نگاری فرآیند نظاممند و مشارکتی است که در برگزیده‌گردآوری و ایجاد چشم‌اندازهای آینده بلند مدت برای آگاهسازی تصمیمات حال و بسیج اقدامات مشترک است (Miles, 2003). اولین تعریف از آینده‌نگاری که مورد پذیرش عمومی قرار گرفت، متعلق به مارتین است. وی که از متقدمین و پیشروان آینده‌نگاری است در سال ۱۹۹۵ آینده‌نگاری را به‌عنوان یک نوع از پژوهش دانسته و این چنین تعریف نمود: «آینده‌نگاری تلاش نظاممند برای نگاه به آینده بلند مدت علم، فناوری، اقتصاد و اجتماع می‌باشد، که باهدف شناسایی فناوری‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات راهبردی است، که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد» (Keenan, 2003).

مارتین این تعریف از آینده‌نگاری فناوری را دارای جنبه‌های مهمی می‌داند؛ اولین جنبه عبارت است از اینکه؛ تلاش برای نگاه به آینده هنگامی فعالیت آینده‌نگاری نامیده می‌شود که تلاشی نظاممند باشد. این امر تفاوت میان آینده‌نگاری و ساخت سناریوهایی که روزانه برای

برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌گردد، را نشان می‌دهد. دومین وجه تمایز این فعالیت، نگاه بلند مدت آن است که بسیار فراتر از افق‌های برنامه‌ریزی رایج می‌باشد. افق زمانی در فعالیت‌های آینده نگاری از ۵ تا ۳۰ است (Keenan, 2003).

مرکز پژوهش‌های مدیریت راهبردی در برزیل که یک سازمان دولتی است آینده نگاری را به صورت ذیل تعریف می‌کند: فعالیتی که سه بعد مختلف تفکر، مباحثه و شکل‌دهی به آینده را در یک فرآیند به هم مرتبط می‌سازد:

تفکر در مورد آینده: رویدادهای ممکن در آینده که از روندهای بلند مدت و پیش‌فرض‌های ناشی از حقایق جدید و غیرمنتظره به دست می‌آید مورد آزمون قرار می‌گیرد. روندهای علم و فناوری مورد پایش قرار می‌گیرد و تغییرات اقتصادی، اجتماعی، ژئوپلیتیک و فرهنگی نیز لحاظ می‌گردد. **مباحثه در مورد آینده:** فرآیند تفکر در مورد آینده هنگامی که رویکردی مشارکتی طرح شود، نیازمند درگیری مشارکت ذی‌نفعان و بازیگران مختلف می‌گردد که این بازیگران شامل بازیگران دولتی (صاحب قدرت) و شرکت‌ها خواهد بود. این فرآیند می‌تواند در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و فراملی انجام گیرد. **شکل‌دهی به آینده:** در خلال شناسایی آینده‌های ممکن و مطلوب و فرآیند یادگیری و تعامل، امکان رسیدن به سطوح مختلفی از تصمیمات وجود دارد تا این تصمیمات تلاش‌ها را هماهنگ ساخته منجر به ساخت چشم‌اندازی از آینده شود. (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۵).

آینده نگاری راهبردی

آینده نگاری راهبردی، به‌عنوان یک ابزار تصمیم‌گیری، در فرآیندهای سیاست‌گذاری عمل می‌نماید و در بسیاری از موارد سبب پاسخ‌گویی به پرسش‌های راهبردی، در یک چشم‌انداز بلند مدت می‌گردد (عیوضی، ۱۳۹۰). آینده نگاری راهبردی رویکردی هنجاری و توصیفی است که رابطه نزدیکی با مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی دارد (گوده، ۲۰۰۴: ۴).

راهبرد در معنای کلی نوعی برنامه‌ریزی سطح بالا برای رسیدن به هدفی خاص در شرایط عدم قطعیت است. شرایط عدم قطعیت به دلیل عدم امکان پیش‌گویی قطعی درباره آینده همواره وجود دارد. هر چه تعیین راهبرد در بازه‌های زمانی طولانی‌تری صورت بگیرد، عدم قطعیت شرایط نیز بیشتر خواهد شد. آینده نگاری راهبردی رویکردی است که عدم قطعیت‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری راهبردی را در نظر می‌گیرد و کمک می‌کند که قلمرو ناشناخته‌ها در این فرآیند کاهش یابد.

این رویکرد موارد زیر را سبب می‌شود: (Heger & Rohrbeck, 2012: 2)

۱- تحلیل روندهای داخلی و خارجی را با یکدیگر ترکیب می‌کند؛

۲- فرآیند اتخاذ راهبرد را تسهیل می‌کند؛

۳- از تصمیم‌گیری راهبردی پشتیبانی می‌کند؛

۴- برنامه‌ریزی خلاقانه را موجب می‌شود.

بنابراین، آینده‌نگاری راهبردی، توانایی ایجاد و حفظ دیدگاهی پیش‌نگرانه است که کاربردی، با کیفیت و منسجم باشد (اسلاتر^۱، ۱۹۹۷: ۱). روش‌های مختلفی برای آینده‌نگاری راهبردی وجود دارد. (عیوضی و کیقبادی، ۱۳۹۱؛ اسلاتر، ۱۹۹۷؛ وورس^۲، ۲۰۰۳). یکی از این روش‌های نظام‌مند را میشل‌گوده^۳ (۱۹۹۴؛ ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۸؛ ۲۰۱۱) معرفی کرده است.

با توجه به اهداف، سیستم‌ها و حوزه‌های مختلف مورد مطالعه، در آخرین نسخه موجود، روش آینده‌نگاری راهبردی از سه مرحله اصلی تشکیل شده است: تفکر جمعی، کسب آمادگی برای اقدام و اقدامات بعدی. مرحله اول از شش گام تشکیل شده است که سه گام اول آن مشخص کردن متغیرهای کلیدی است. این سه گام نخست مقدمه و بنیان همه مراحل دیگر را تشکیل می‌دهند و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. گام‌های بعد در مرحله اول شامل تحلیل بازیگران، ساختن مهم‌ترین سناریوهای محتمل بر مبنای نظر کارشناسان و تنظیم منسجم‌ترین برنامه راهبردی بر مبنای محتمل‌ترین سناریوهاست. مرحله دوم، اختصاص به تصمیم‌گیران ارشد دارد تا با استفاده از داده‌های گردآوری شده در مرحله قبل، گزینه‌های راهبردی را ارزشیابی و از مرحله تفکر به مرحله اقدام وارد شوند. مرحله آخر اختصاص به کاربرد عملی برنامه راهبردی دارد و فعالیت‌های مختلفی نظیر ایجاد تغییرات از طریق قراردادهای جدید سازمانی یا رصد محیط تغییرات را شامل می‌شود (گوده و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۶).

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی نظیر موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی و هوایی)، و سایل ارتباط جمعی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۳). ژئوپلیتیک به‌عنوان یک دانش، تأثیر جغرافیا را بر شخصیت سیاسی کشور، تاریخ آن، مؤسسات و به‌ویژه روابط آن با دیگر کشورها را مورد بررسی قرار می‌دهد. ساده‌ترین تعریفی که جغرافیدانان از ژئوپلیتیک کرده‌اند، این است که

1. Slaughter

2. Voros

3. Godet

ژئوپلیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی بر روی سیاست‌های دگرگون شونده جهانی می‌پردازد (تقوی اصل، ۱۳۸۷:۲۷) به تعبیر دیگر تجزیه و تحلیل عوامل جغرافیایی و تعیین تأثیر این عوامل بر روابط قدرت میان ملت‌ها و ائتلاف‌ها را ژئوپلیتیک می‌نامند (چگینی، ۱۳۸۴:۱۷۱).

رویکرد ژئوپلیتیکی ناظر بر بهره‌وری قابلیت‌های مکانی - فضایی در راستای استفاده بهینه از مزیت‌های رقابتی در مقیاس‌های خرد و کلان ارتقاء دهنده قدرت ملی و در نهایت وزن ژئوپلیتیکی یک کشور و تعیین کننده مناسبات آن با دیگر قدرت‌ها است. از این رو توجه به جایگاه آن در اسناد سیاست‌گذاری فضایی کشور با توجه به جغرافیای ایران، از منظر ژئوپلیتیک کاربردی ضروری است (قادری حجت و گل‌کرمی؛ ۱۳۹۹). ژئوپلیتیک به‌عنوان تحلیل میان‌زمینه‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های مرتبط با آن از یک سو و فرآیندهای سیاسی از سوی دیگر تعریف می‌شود. بنابراین، زمینه‌های جغرافیایی و فرآیندهای سیاسی هر دو پویا بوده و بر یکدیگر تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند. ژئوپلیتیک پیامدهای این تعامل را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد.

همچنین حافظ نیا در این رابطه می‌گوید: ژئوپلیتیک بر آن بخش از دانش جغرافیا تأکید می‌کند که با قدرت و سیاست پیوند می‌خورد. در واقع جوهر ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل می‌دهد. چه در فرآیندهای تولید قدرت و چه در فرآیندهای توزیع فضایی و جابه‌جایی قدرت و چه در ارتباط با ساختار جهانی قدرت، دانش ژئوپلیتیک است که به این مسائل می‌پردازد. از این رو می‌توانیم ژئوپلیتیک را دانشی بدانیم که به مطالعه ابعاد فضایی - جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی، می‌پردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۶:۲۳۳). لذا ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر (حافظ نیا، ۱۳۸۶:۳۷).

در پژوهشی دیگر توسط سرمست و همکارانش، به بررسی این مسئله پرداختند که براساس ساختار ژئوپلیتیکی موجود عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی و فرصت‌ها چگونه می‌تواند به منطقه‌گرایی پایدار بین ایران و آسیای مرکزی منجر گردد و در این راستا عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به زیر عوامل دیگر تقسیم کرده و در نهایت به این نتیجه رسیدند که براساس ساختار ژئوپلیتیکی موجود ارایه الگوی مبتنی بر واقعیات و منافع ژئوپلیتیکی همگراساز (قوت‌ها و فرصت‌ها) می‌تواند به منطقه‌گرایی پایدار بین ایران و آسیای مرکزی در راستای منافع مشترک منجر گردد. (سرمست و دیگران؛ ۱۳۹۹).

همچنین در پژوهش عبیدی و همکارانش با عنوان تبیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری روابط راهبردی، به این نتیجه رسیده‌اند که بازیگران روابط خارجی خود را براساس

برداشت‌ها از منافع، اولویت‌ها و خطوط ژئوپلیتیکی امنیت ملی خود تعریف می‌کنند. یعنی این ژئوپلیتیک است که موجب شکل‌گیری برداشت‌های سیاست‌گذاران یک کشور نسبت به منافع ملی کشورشان در ارتباط با محیط پیرامون می‌شود و طبیعی است که این برداشت موجب جهت‌گیری سیاست خارجی بازیگران شده که یکی از این جهت‌گیری‌ها می‌تواند داشتن تعاملات راهبردی با دیگر بازیگران باشد (عبدی و دیگران؛ ۱۳۹۹).

حافظنیا و همکارانش، در پژوهشی با عنوان الگوی نظری طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی، پس از بررسی و مطالعات، اذعان داشتند که طراحان راهبردهای دفاعی در نهادهای دفاعی — نظامی با وجود آنکه در طرح‌های خود به برخی از عوامل ژئوپلیتیکی توجه می‌کنند و آن را در طراحی‌های خود دخالت می‌دهند، اما هیچ نشانه‌ای از توجه علمی و تأثیر نظام‌مند این عوامل در تدوین راهبردهای دفاعی دیده نمی‌شود. ارایه یک الگوی نظری برای طراحی راهبردهای دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی، مستلزم شناسایی عوامل مؤثر و کشف رابطه میان این عوامل با راهبرد دفاعی، تبیین نوع، چگونگی و میزان تأثیر عوامل مورد نظر در طراحی راهبرد دفاعی است. بیان رابطه میان عوامل ژئوپلیتیکی و راهبرد دفاعی به دلیل ماهیت کیفی اغلب عوامل ژئوپلیتیکی، کاری دشوار ولی امکان‌پذیر است (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۶).

عوامل ژئوپلیتیک

محیط و عوامل جغرافیایی در چگونگی و شکل دهی سیاست نقش اساسی دارند. این مفهوم به معنای نقش عوامل جغرافیایی در سیاست می‌باشد که معنای عمومی و سنتی عوامل ژئوپلیتیک است (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۸).

بنابراین، در یک منطقه ژئوپلیتیکی عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی آن دارای کارکرد سیاسی بوده و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای، به‌ویژه قدرت‌های جهانی را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آن‌ها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را برمی‌انگیزد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۱).

در نتیجه، از جمله عوامل شناخته شده ژئوپلیتیک می‌توان به موقعیت‌های راهبردی، موقعیت‌های ارتباطی، دریایی و ساحلی، و وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی و نوع و میزان منابع طبیعی، کمیت و کیفیت منابع انسانی و... اشاره کرد.

علائق ژئوپلیتیک

عبارت است از مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار بوده و به لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب می‌گردد. تعلق ژئوپلیتیک به نوعی زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل

می‌دهد و ناظر بر مواردی هست که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تأمین کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فناوری، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست محیطی می‌باشند و کشور به آن‌ها دل‌بستگی و علاقه دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به الگو پیاز ساندرز^۱ (۲۰۰۹) برای تبیین فرآیند انجام پژوهش به بررسی لایه‌های عمده این الگو پرداخته خواهد شد بر این اساس؛ از آنجا که پژوهش حاضر مبتنی بر داده‌های صرف کمی نیست و نتایج برآمده از داده‌های صرفاً کمی را معتبر نمی‌داند، از منظر فلسفی در زمره پژوهش‌های پوزیتیویستی نمی‌گنجد. همچنین با توجه به این موضوع که این پژوهش با نگاهی نقادانه، بر واقعیت‌ها و پدیده‌های موجود نظر می‌افکند و فارغ از جهت‌گیری‌های فرهنگی به دنبال کشف حقیقت از درون آن‌ها می‌باشد و علاوه بر پدیده‌های عینی بر واقعیات ذهنی نیز تأکید دارد از منظر فلسفی از تئوری واقع‌گرایی انتقادی تبعیت می‌کند. این نظریه نوعی معرفت‌شناسی پساکوهنی است که بخشی از فرهنگ عظیم و انسان‌گرایانه گفتمان انتقادی به شمار می‌آید. واقع‌گرایی انتقادی برخی جنبه‌های قدیمی‌تر پوزیتیویستی را با برخی از اندیشه‌های پساپوزیتیویستی متأخر در هم می‌آمیزد (Bell, 2003: 425).

پژوهش حاضر به لحاظ مخاطب جزء پژوهش‌های کاربردی و از نوع توصیفی - پیمایشی است که در آن از روش ترکیبی استفاده شده است. در این پژوهش برای استخراج شاخص‌ها با توجه به چارچوب اولیه از روش کیفی تحلیل تم و برای بررسی روایی از نرخ روایی محتوا استفاده می‌شود. جامعه آماری را در مرحله تحلیل تم مقالات مرتبط و در مرحله تحلیل روایی، خبرگان مراکز تحقیقاتی تشکیل می‌دهند و روش نمونه‌گیری نیز هدفمند است. مرجع گردآوری داده در مرحله شناسایی تم‌ها، مصاحبه می‌باشد. برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا استفاده شده است. برای تعیین روایی از متخصصان درخواست می‌شود تا هر آیتم را براساس طیف سه قسمتی «ضروری است» «ضروری است ولی مفید نیست» و «ضروری نیست» بررسی کنند. سپس پاسخ‌ها مطابق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

1. Saunders

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این رابطه n_E تعداد متخصصانی است که به گزینه موافقم پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه‌شده از مقدار جدول شماره سه بزرگتر باشد، روابی محتوای آن آیت‌م پذیرفته شده است. تعداد اعضاء گروه خبرگان پژوهش ۱۲ نفر می‌باشد.

جدول (۱) پانلیست‌ها و مقادیر CVR

تعداد پانل	مقدار CVR	تعداد پانل	مقدار CVR	تعداد پانل	مقدار CVR
۵	۰/۹۹	۱۱	۰/۵۹	۲۵	۰/۳۷
۶	۰/۹۹	۱۲	۰/۵۶	۳۰	۰/۳۳
۷	۰/۹۹	۱۳	۰/۵۴	۳۵	۰/۳۱
۸	۰/۷۸	۱۴	۰/۵۱	۴۰	۰/۲۹
۹	۰/۷۵	۱۵	۰/۴۹		
۱۰	۰/۶۲	۲۰	۰/۴۲		

پس از تأیید عناصر به‌عنوان گام‌های فرآیند چارچوب تحلیلی مورد نظر، برای تعیین تقدم و توالی گام‌ها از تکنیک^۱ ISM استفاده گردید که در آن رابطه بین گام‌ها از نوع تعریفی زمانی تعیین گردید. همچنین پرسش نامه ماتریس خود تعاملی طراحی و جهت تکمیل در اختیار خبرگان قرار گرفت. چارچوب نهایی پس از پنج بار تکرار در قالب پنج سطح ارایه گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل تم

در این بخش در ابتدا به‌منظور استخراج مؤلفه‌ها، از کد گذاری باز و محوری استفاده شده است. مرجع استحصال مضامین مصاحبه‌های صورت گرفته می‌باشد. پس از کد گذاری باز ۴۳ مضمون شناسایی شد و در مرحله کد گذاری محوری با توجه به هم‌پوشانی داشتن برخی مؤلفه‌ها و نیز تکراری بودن، در این مرحله مؤلفه‌های مشابه حذف شدند و تعداد این مضمون‌ها به ۱۸ مضمون

۱. مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM: Interpretive Structural Modelling)

محوری تقلیل یافت و در نهایت پس از تحلیل مضامین برچسب گذاری تم‌های نهایی بر اساس الگو آینده نگاری پیتربیشاپ در قالب جدول ارائه گردید.

جدول (۲) کد گذاری نهایی و نام گذاری کدها بر اساس الگو آینده نگاری اندی هاینز و پیتربیشاپ

تم‌های فرعی	تم‌های نهایی (مبتنی بر الگو اندی هاینز و پیتربیشاپ)	ردیف
شناخت مسائل ژئوپلیتیک	چارچوب‌بندی مسئله	۱
تعیین اهداف		
شناسایی خبرگان حوزه و تیم سازی		
تحلیل موقعیت‌های ارتباطی و موقعیت‌های منطقه‌ای (دریا، خشکی و فضا)	پویش محیطی	۲
شناسایی و تحلیل پیشینه منطقه و روندهای حاکم بر آن		
تحلیل کنشگران حال و آینده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر بر ژئوپلیتیک		
شناسایی ذی‌نفعان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تحلیل علایق و ارزش‌های آنها	آینده نگاری	۳
وضعیت‌های محتمل اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی		
شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی منطقه از منظر دفاعی		
ترسیم درخت احتمالات		
سناریو پردازی اکتشافی در حوزه ژئوپلیتیک دفاعی	ترسیم چشم‌انداز	۴
ارایه سناریوهای مطلوب		
شناخت وضعیت مطلوب ژئوپلیتیک دفاعی	برنامه‌ریزی و اقدام	۵
شناخت و طرح‌ریزی ژئوراها بردها و موقعیت‌های راهبردی		
شناخت اولویت‌های ژئوپلیتیک دفاعی		
استحصال زنجیره منطقی رویدادهای منطقه‌ای		
برنامه‌ریزی نوع و میزان منابع طبیعی، کمیت و کیفیت منابع مادی و انسانی		
ارزیابی مستمر موضوعات ژئوپلیتیک و همسویی اقدام‌ها و راهبردها با اهداف و علایق ژئوپلیتیک		

یافته‌های حاصل از تحلیل روایی محتوا

در این بخش صحت الگو استخراج شده توسط نرخ روایی محتوا با استفاده پرسش نامه مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه تعداد خبرگان مشارکت کننده در پژوهش ۱۲ نفر می‌باشد، حداقل نرخ شاخص روایی محتوا طبق جدول باید ۰/۵۶ باشد. نتایج حاصل از نرخ روایی محتوا در قالب جدول (۳) بیان شده است.

جدول (۳) مقادیر نرخ روایی محتوا

ردیف	مؤلفه‌های چارچوب	CVR	تأیید یا عدم‌تأیید
۱	شناخت مسائل ژئوپلیتیک	۰/۷۴	تأیید
۲	تعیین اهداف	۰/۶۲	تأیید
۳	شناسایی خبرگان حوزه و تیم سازی	۰/۴۳	عدم تأیید
۴	تحلیل موقعیت‌های ارتباطی و موقعیت‌های منطقه‌ای (دریا، خشکی و فضا)	۰/۱۶	تأیید
۵	شناسایی و تحلیل پیشینه منطقه و روندهای حاکم بر آن	۰/۸۲	تأیید
۶	تحلیل کنشگران حال و آینده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر بر ژئوپلیتیک	۰/۷۸	تأیید
۷	شناسایی ذی‌نفعان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تحلیل علایق و ارزش‌های آن‌ها	۰/۸۱	تأیید
۸	وضعیت‌های محتمل اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی	۰/۶۷	تأیید
۹	شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی منطقه از منظر دفاعی	۰/۶۹	تأیید
۱۰	ترسیم درخت احتمالات	۰/۵۲	عدم تأیید
۱۱	سناریو پردازی اکتشافی در حوزه ژئوپلیتیک دفاعی	۰/۷۷	تأیید
۱۲	ارایه سناریوهای مطلوب	۰/۴۷	عدم تأیید
۱۳	ترسیم و شناخت وضعیت مطلوب ژئوپلیتیک دفاعی	۰/۸۳	تأیید
۱۴	طرح‌ریزی ژئوراهابردها	۰/۸۱	تأیید
۱۵	شناخت اولویت‌های ژئوپلیتیک دفاعی	۰/۸۱	تأیید
۱۶	استحصال زنجیره منطقی رویدادهای منطقه‌ای	۰/۴۹	عدم تأیید
۱۷	طرح‌ریزی نوع و میزان منابع طبیعی، کمیت و کیفیت منابع مادی و انسانی	۰/۴۲	عدم تأیید
۱۸	ارزیابی مستمر موضوعات ژئوپلیتیک و هم‌سو سازی اقدام‌ها و راهبردها با اهداف و علایق ژئوپلیتیک	۰/۸۷	تأیید

با توجه به آنکه ردیف‌های ۳، ۱۰، ۱۲ و ۱۶ و ۱۷ به این دلیل که از عدد معیار ۰/۵۶ کم‌تر هستند، تایید نمی‌گردند و لذا مولفه‌های الگو به ۱۳ مولفه تقلیل یافته و در جدول (۴) ارایه گردید.

جدول (۴) مولفه‌های تأیید شده چارچوب

ردیف	مولفه‌های تأیید شده چارچوب
۱	شناخت مسائل ژئوپلیتیک
۲	تعیین اهداف
۳	تحلیل موقعیت‌های ارتباطی و موقعیت‌های منطقه‌ای (دریا، خشکی و فضا)
۴	شناسایی و تحلیل پیشینه منطقه و روندهای حاکم بر آن
۵	تحلیل کنشگران حال و آینده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر بر ژئوپلیتیک
۶	شناسایی ذی‌نفعان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تحلیل علایق و ارزش‌های آن‌ها
۷	وضعیت‌های محتمل اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی
۸	شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی منطقه از منظر دفاعی
۹	سناریوپردازی اکتشافی در حوزه ژئوپلیتیک دفاعی
۱۰	ترسیم و شناخت وضعیت مطلوب ژئوپلیتیک دفاعی
۱۱	طرح‌ریزی ژئوراہبردها
۱۲	شناخت اولویت‌های ژئوپلیتیک دفاعی
۱۳	ارزیابی مستمر موضوعات ژئوپلیتیک و هم‌سو سازی اقدام‌ها و راهبردها با اهداف و علایق ژئوپلیتیک

محاسبه ماتریس دسترسی

در این مرحله، ماتریس خود تعاملی ساختاری به ماتریس زوجی تبدیل شده، که به اصطلاح ماتریس دسترسی خوانده می‌شود. در این گام با استفاده از قانون جای‌گذاری (۱-۰) ماتریس خود تعاملی به ماتریس (۱-۰) تبدیل می‌شود. قانون جای‌گذاری (۱-۰) به شرح ذیل است: اگر ارتباط بین دو عنصر (a, b) در ماتریس خود تعاملی V باشد، در ماتریس دسترسی ارتباط بین a و b با عدد یک و بالعکس ارتباط بین b و a را با عدد صفر جایگزین می‌کنیم. اگر ارتباط بین دو عنصر (a, b) در ماتریس خود تعاملی A باشد در ماتریس دسترسی ارتباط بین a و b را با عدد صفر و بالعکس ارتباط بین b و a را با عدد یک جایگزین می‌کنیم. اگر ارتباط بین دو عنصر (a, b) در ماتریس خود تعاملی X باشد، در ماتریس دسترسی ارتباط بین a و b را با عدد یک و بالعکس ارتباط بین b و a را با عدد صفر جایگزین می‌کنیم. اگر ارتباط بین دو عنصر (a, b) در ماتریس خود تعاملی O باشد، در ماتریس دسترسی ارتباط بین a و b را با عدد صفر و بالعکس ارتباط بین b و a را با عدد صفر جایگزین می‌کنیم. با به‌کارگیری قواعد فوق ماتریس دسترسی تشکیل و با وارد کردن انتقال‌پذیری در روابط متغیرها ماتریس دسترسی نهایی به دست می‌آید. این ماتریس با استفاده از نظریه اویلر به این صورت به دست می‌آید:

$$M = (A + I)^n$$

ماتریس A ماتریس دسترسی اولیه، I ماتریس همانی و M ماتریس دسترسی نهایی است و همچنین عملیات به توان رساندن ماتریس باید براساس قاعده بولین باشد. بر این اساس ماتریس دسترسی نهایی در جدول (۵) ارایه شده است.

جدول (۵) ماتریس دسترسی نهایی

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۳
۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۴
۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۵
۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۶
۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۷
۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸
۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰
۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱۲
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱۳

افراز بندی چارچوب به سطوح مختلف

هر یک از مولفه‌های چارچوب دارای دو مجموعه مختلف متقدم $A(va)$ و متأخر $S(va)$ است که در ساختار ماتریس دسترسی و نیز طراحی چارچوب نقش بنیادی دارد. مجموعه متقدم هر جزء یا $A(va)$ ، شامل مولفه‌هایی از چارچوب است که به آن مولفه منتهی می‌شود. برای تعیین مجموعه متقدم هر مولفه، ستون مربوط به آن مولفه بررسی شد. تعداد «۱»‌های این ستون نشان دهنده خطوط جهت داری بود که به آن جزء وارد می‌شود. مجموعه متأخر هر جزء یا $S(vb)$ ، شامل مولفه‌هایی از چارچوب است که از آن مولفه نشات می‌گیرد. برای تعیین مجموعه متأخر مربوط به هر مولفه، سطر مربوط به آن مولفه بررسی شد. تعداد «۱»‌های این سطر نشان دهنده خطوط جهت داری بود که از آن مولفه خارج می‌شود. براین اساس جدول زیر برای هر تکرار به‌منظور سطح‌بندی و تعیین لایه‌ها ارایه گردیده است.

جدول (۶) افراز بندی چارچوب به سطوح مختلف

ردیف	مؤلفه	مجموعه متاخر $R(s_a)$	مجموعه متقدم $A(s_a)$	مجموعه مشترک $A(s_a) \cap R(s_a)$
۱	تعیین اهداف	۷-۱	۲-۱	۱ و ۲ و ۳
۲	شناخت مسائل ژئوپلیتیک	۷-۱	۲-۱	۱ و ۲ و ۳
۳	ارزیابی مستمر موضوعات ژئوپلیتیک و هم‌سو سازی اقدام‌ها و راهبردها	۱۲-۱۳ و ۱۳-۳	۱۲-۱۳	۱۲ و ۱۳
۴	شناسایی و تحلیل پیشینه منطقه و روندهای حاکم بر آن	۴ و ۵ و ۶ و ۸ و ۱۱ و ۷	۷-۱	۴ و ۵ و ۶ و ۷
۵	تحلیل موقعیت‌های ارتباطی و موقعیت‌های منطقه‌ای (دریا، خشکی و فضا)	۴ و ۵ و ۱۰ و ۱۱ و ۷	۴-۷ و ۹ و ۱۰ و ۲	۴ و ۵ و ۷
۶	تحلیل کنشگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مؤثر بر ژئوپلیتیک	۴ و ۵ و ۶ و ۸ و ۹	۴ و ۵ و ۲ و ۷	۴ و ۵ و ۶
۷	شناسایی ذی‌نفعان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تحلیل علایق و ارزش‌های آن‌ها	۴ و ۵-۱۱	۴ و ۵ و ۲ و ۷	۴ و ۵
۸	وضعیت‌های محتمل اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی	۸-۱۲	۴ و ۶-۱۱	۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱
۹	شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی منطقه از منظر دفاعی	۸-۱۲	۶-۱۱	۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱
۱۰	ترسیم و شناخت وضعیت مطلوب ژئوپلیتیک دفاعی	۸-۱۱ و ۱۲ و ۱۳	۵ و ۷-۱۱	۸-۱۱
۱۱	سناریو پردازی اکتشافی در حوزه ژئوپلیتیک دفاعی	۸-۱۱	۴ و ۵ و ۷ و ۸-۱۳	۸-۱۱
۱۲	طرح‌ریزی ژئوراہبردها	۱۲ و ۳	۸-۱۰ و ۱۲ و ۱۳	۱۲
۱۳	شناخت اولویت‌های ژئوپلیتیک دفاعی	۱۲-۱۳ و ۳	۳ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳	۱۲ و ۱۳

بعد از تعیین مجموعه متقدم و متاخر هریک از مؤلفه‌های چارچوب بر اساس ماتریس دسترسی، مؤلفه‌هایی از چارچوب که دارای شرط $R(s_a) = A(s_a) \cap R(s_a)$ تعیین شدند. اجزای واقع در یک سطح، مجموعه متاخرشان با اشتراک مجموعه متقدم و متاخرشان برابر است. پس از تعیین مؤلفه‌هایی که این شرط را داشتند و حذف آن‌ها، مراحل قبل تا جایی که کلیه مؤلفه‌های

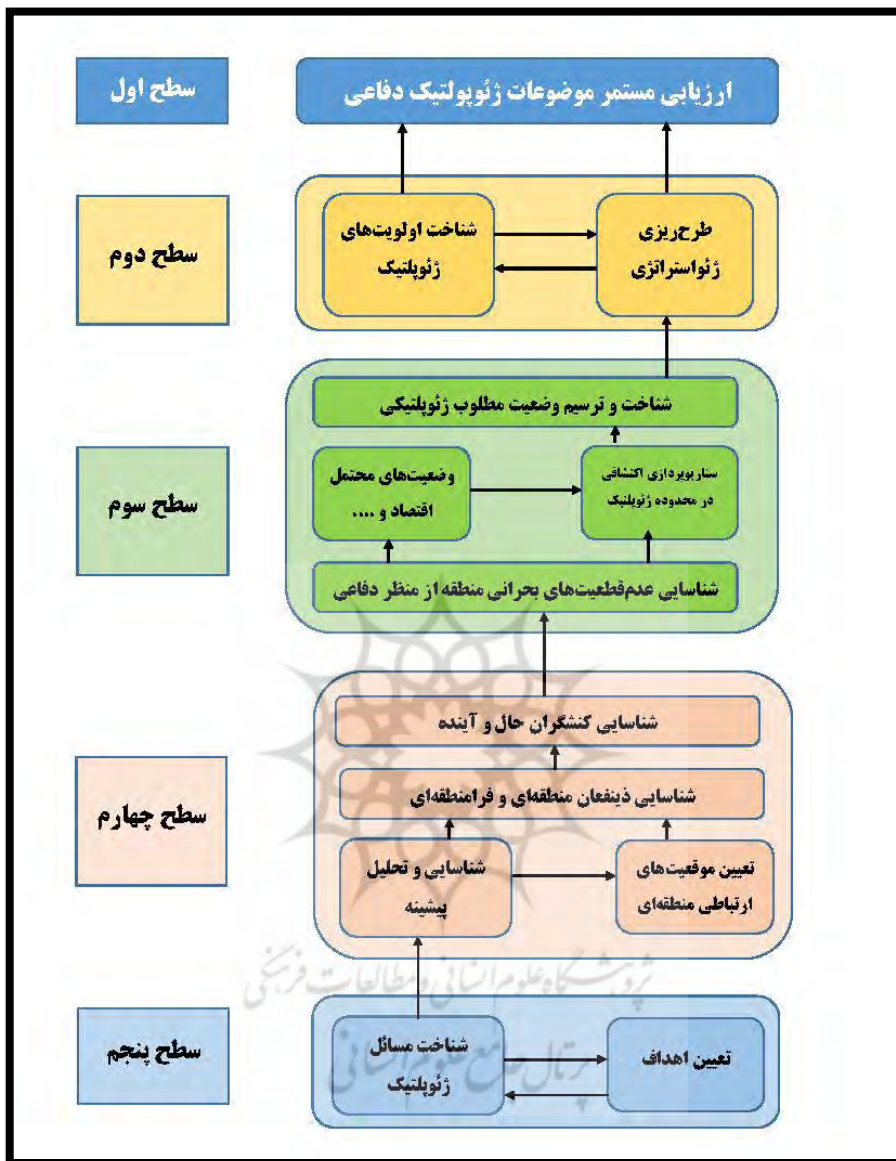
سطوح مختلف چارچوب مشخص شود ادامه یافت و نتایج سطح بندی نهایی در جدول (۷) ارایه گردید.

جدول (۷) سطح بندی نهایی مولفه‌ها

ردیف	مولفه	سطح بندی
۱	تعیین اهداف	سطح پنجم
۲	شناخت مسائل ژئوپلیتیک	سطح پنجم
۳	ارزیابی مستمر موضوعات ژئوپلیتیک و هم‌سو سازی اقدام‌ها و راهبردها	سطح اول
۴	شناسایی و تحلیل پیشینه منطقه و روندهای حاکم بر آن	سطح چهارم
۵	تحلیل موقعیت‌های ارتباطی و موقعیت‌های منطقه‌ای (دریا، خشکی و فضا)	سطح چهارم
۶	تحلیل کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر بر ژئوپلیتیک	سطح چهارم
۷	شناسایی ذی‌نفعان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تحلیل علایق و ارزش‌های آن‌ها	سطح چهارم
۸	وضعیت‌های محتمل اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی	سطح سوم
۹	شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی منطقه از منظر دفاعی	سطح سوم
۱۰	ترسیم و شناخت وضعیت مطلوب ژئوپلیتیک دفاعی	سطح سوم
۱۱	سناریو پردازی اکتشافی در حوزه ژئوپلیتیک دفاعی	سطح سوم
۱۲	طرح‌ریزی ژئوراہبردها	سطح دوم
۱۳	شناخت اولویت‌های ژئوپلیتیک دفاعی	سطح دوم

بر اساس سطح بندی صورت گرفته و مبتنی بر ماتریس خود تعاملی ترسیم الگو و گام‌ها و روابط آن در شکل (۱) ارایه گردیده است: *پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۱) الگو فرآیندی آینده نگاری راهبردی در موضوعات ژئوپولیتیک

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سرعت تحولات و شدت پیچیدگی‌ها و در هم تنیدگی‌ها در عصر کنونی چالش مهمی برای تحلیل موضوعات ژئوپولیتیک محسوب می‌گردد. به نظر می‌رسد کاربست روش‌های آینده پژوهی در تحلیل

این قبیل موضوعات بتواند بر کارآمدی روش‌های تحلیل در محیط‌های پیچیده و متغیر اثر گذار باشد.

پژوهش حاضر به‌منظور ارایه پاسخی برای چالش مذکور چارچوبی آینده‌نگرانه برای تحلیل موضوعات ژئوپلتیک دفاعی ارایه نموده است. با توجه به آنکه آینده‌نگاری راهبردی به‌عنوان ابزاری برای کاستن از پیچیدگی‌ها دارای توانایی ایجاد و حفظ دیدگاهی پیش‌نگرانه می‌باشد در ایجاد چارچوب تحلیلی موضوعات ژئوپلتیک مورد استفاده قرار گرفت و چارچوب تحلیلی مورد نظر مبتنی بر الگو آینده‌نگاری راهبردی اندی‌هاینز و پیتر بیشاب صورت بندی گردید.

بر اساس الگو اندی‌هاینز و پیتر بیشاب، چارچوب آینده‌نگاری راهبردی مشتمل بر پنج گام؛ چارچوب بندی مسئله، پویش محیطی، پیش‌بینی، ترسیم چشم‌انداز، برنامه‌ریزی و اقدام می‌باشد. نتایج بررسی ادبیات ژئوپلتیک و مصاحبه با خبرگان نشان داد که مبتنی بر پنج گام فوق چارچوب تحلیلی مناسب در شرایط پیچیده و متغیر باید در بر گیرنده ۱۳ مولفه باشد که در جدول شماره (۳) ارایه شده است. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ارزیابی مستمر موضوعات ژئوپلتیک و هم‌سو سازی اقدام‌ها و راهبردها، وضعیت‌های محتمل اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی، شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی منطقه از منظر دفاعی، ترسیم و شناخت وضعیت مطلوب ژئوپلتیک دفاعی، سناریو پردازی اکتشافی در حوزه ژئوپلتیک دفاعی، طرح‌ریزی ژئوراهبردها. به‌منظور تعیین توالی گام‌ها از تکنیک مدل سازی ساختاری تفسیری استفاده گردید.

نتایج نشان داد که چارچوب تحلیلی نهایی دارای پنج سطح می‌باشد و بر اساس آن تعیین اهداف و شناخت موضوعات به‌عنوان گام آغازین فرآیند در سطح پنجم و ارزیابی مستمر موضوعات و بازخورد آن به‌عنوان گام نهایی در سطح اول قرار گرفت. چارچوب نهایی در شکل (۲) ارایه گردیده است. توجه به عدم قطعیت‌ها و سناریو پردازی و همچنین توسعه ژئواستراتژی‌ها مبتنی بر سناریو از ویژگی‌های متمایز کننده چارچوب نهایی می‌باشد. همچنین سطوح پنجم و چهارم بیانگر دیده‌بانی محیط و پویش محیطی می‌باشند که به‌عنوان ورودی‌های چارچوب محسوب می‌گردند.

از آنجا که خبرگان انتخابی پژوهش باید دارای دانش تلفیقی دفاعی، سیاسی و آینده پژوهی باشند، پژوهش حاضر از نظر در اختیار داشتن خبرگانی که به‌طور کامل دارای شرایط فوق باشند، دارای محدودیت بود.

پیشنهاد می‌شود فعالیت پژوهشگران علاقه‌مند در سه حوزه دسته‌بندی شوند:

حوزه اول: توسعه و بهبود الگو: الگوی ارایه شده به ویژه در نحوه توسعه ژئواستراتژی‌ها با استفاده از سناریو و همچنین پیوند نقشه راه به چارچوب نهایی به منظور خلق آینده مطلوب قابل توسعه است.

حوزه دوم: تجهیزات و امکانات: در فاز اقدام چارچوب ارایه شده بمنظور اجرای راهبردها و برنامه‌ها می‌توان در قالب پژوهش‌های مطالعات موردی از سناریوهای اقدام بمنظور تعیین قابلیت و کمیت تجهیزات و امکانات و به عبارت دیگر سخت‌افزار مورد نیاز اجرای موفق راهبردها و برنامه‌ها بهره برد.

حوزه سوم: زنجیره تامین: پایداری زنجیره تامین بعنوان یکی از ارکان پشتیبانی از برنامه‌های جامع اقدام محسوب می‌شود. پیشنهاد می‌شود چارچوب ارایه شده بمنظور حصول اطمینان از طراحی زنجیره پایدار مورد استفاده قرار بگیرد.

قدردانی

بدینوسیله از مشارکت و همراهی همه خبرگان، متخصصان، اساتید و پژوهشگرانی که ما را در جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات و همچنین تجزیه و تحلیل و بررسی نهایی این پژوهش یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

منابع

- اخباری، محمد. (۱۳۸۵). *استراتژی غرب تضعیف توان ژئوپلیتیک جهان اسلام است*. تهران: نشریه رسالت.
- ایجابی، ابراهیم، درویشی سه تلانی، فرهاد، مینایی، حسین، فضلی، صفر. و کشاورز ترک، عین‌اله. (۱۳۹۹). طراحی چارچوب آینده نگاری راهبردی فناوری‌های دفاعی در حوزه پدافند هوایی به روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری. *فصلنامه آینده پژوهی دفاعی*. ۱۶(۵): ۱۴۳-۱۶۹.
- بزاززاده، مهدی، داداش پور، هاشم. و مطوف، شریف. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه منطقه‌ای با رویکرد آینده نگاری منطقه‌ای؛ مطالعه موردی آذربایجان غربی. *فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی*. ۴(۱۳): ۷۹-۱۰۴.
- تیشه یار، ماندانا. (۱۳۹۰). *آینده پژوهی در مطالعات راهبردی*. نوبت اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۱). *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*. نوبت اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

حافظ‌نیا، محمدرضا، رشید، غلامعلی، پرهیزگار، اکبر. و افشردی، محمدحسین. (۱۳۸۶). الگوی نظری طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*. ۳(۸): ۷-۳۶.

سرمست، حمیدرضا، بیژنی، علی. و اخباری، محمد. (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی عوامل همگراساز (قوت‌ها و فرصت‌ها) در شکل‌گیری منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی. *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*. ۱۰(۲): ۴۲۱-۴۴۱.

≠ سیاح مفضل، اردشیر. و اسدی، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی ساختارهای فکری و مفاهیم کلیدی در آینده پژوهی و ارایه چارچوب اجرای مطالعات آینده پژوهی. *فصلنامه آینده پژوهی مدیریت*. ۲۶(۱۰۲): ۱۵-۲۶.

شیخ عطار، علیرضا. (۱۳۸۴). *دیپلماسی انرژی و امنیت ملی*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. شیراوند، هنگامه. و هاشمی، محمدناصر. (۱۳۹۵). بررسی اثرات تغییر اقلیم بر امنیت ملی پایدار، کنفرانس ملی پدافند غیرعامل و توسعه پایدار. تهران: وزارت کشور.

عبدی، مسعود، فرجی‌راد، عبدالرضا. و قربانی‌نژاد، ریاز. (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری روابط راهبردی. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۱۶(۱): ۱-۳۶.

قادری حجت، مصطفی. و گل‌کرمی، عابد. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل نگرش ژئوپلیتیکی اسناد بالادستی آمایش سرزمین ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۱۶(۲): ۵۸-۸۷.

قدیری، روح اله. (۱۳۸۴). بررسی چند تجربه ملی در آینده‌نگاری. *مجموعه مقالات دومین کنفرانس مدیریت تکنولوژی*. تهران: انجمن مدیریت تکنولوژی ایران.

قدیری، روح‌الله، ناظمی، امیر. و شمعی، علی. (۱۳۸۸). *آینده‌نگاری فناوری هوافضا در ایران ۱۴۰۴*. چاپ اول. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

گودرزی، غلامرضا، آذر، عادل، عزیزی، فیروزه. و بابایی‌میبدی، حمید. (۱۳۹۵). ارائه چارچوب پیشنهادی آینده‌نگاری منطقه‌ای به‌مثابه حوزه پژوهشی میان‌رشته‌ای: مورد مطالعه، سند توسعه آمایش استان یزد. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. ۸(۲): ۱۳۳-۱۵۵.

مایل افشار، فرحناز. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در مؤلفه‌های قدرت ملی ایران. *فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری*. ۳(۱): ۱۰۹-۱۴۰.

مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). *خلیج فارس، کشورها و مرزها*. چاپ اول. تهران: چاپ حیدری.

میرحیدر، دره. (۱۳۸۱). *مبانی جغرافیای سیاسی*. چاپ هشتم. تهران: سمت.

نجفی، سجاد، یزدان‌پناه درو، کیومرث، پیشگاهی‌فرد، زهرا. و بدیعی‌ازنده‌ای، مرجان. (۱۳۹۹). تبیین مهمترین نیروهای پیشران تأثیرگذار بر قدرت دفاعی ایران در افق زمانی ۱۴۱۰. *فصلنامه آینده پژوهی دفاعی*. ۵(۱۶): ۶۳-۸۷.

نوری، سیامک. و ایوبی، مریم. (۱۳۸۸). توسعه الگو آینده پژوهی مبتنی بر پیمایش محیطی (مطالعه موردی در یک سازمان تحقیقاتی - دفاعی). *فصلنامه مدیریت فردا*. ۸(۲۲): ۵۵-۶۶.

Bell, W. (2003). *Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era*. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.

Durst, C., Durst, M., Kolonko, T., Neef, A., & Greif, F. (2014). *A holistic approach to strategic foresight: A foresight support system for the German Federal Armed Forces*. *Technological Forecasting and Social Change*.

Godet, M. & Durance, P. (2011). Strategic Foresight: for corporate and regional development. *In Strategic Foresight for Corporate and Regional Development*.

Heger, T. & Rohrbeck, R. (2012). Strategic foresight for collaborative exploration of new business fields, *Technological Forecasting and Social Change*, 79(5): 819-831.

Keenan, M. (2003). *Technology Foresight: An Introduction*, Technology Foresight for Organizers, Ankara, Turkey.

Martin, B. R. (1995). Foresight in science and technology. *Technology Analysis & Strategic Management*, 7(2), 139-168.

Miles, I., & Keenan, M. (2002). *Practical Guide to Regional Foresight in the UK*. European Communities, Luxembourg

Saritas, O., Taymaz, E., & Tumer, T. (2006). *Vision 2023: Turkey's national technology foresight program - A contextualist description and analysis*. Economic Research Center Middle East Technical.

Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2009). Research methods for business students. *Essex: Prentice Hall: Financial Times*.

Slaughter, R. (1997). Developing and applying strategic foresight. *ABN Report*, 5: 13-27.

University of Durham Business School. (2000). *Leading into the Future: Foresight Perspectives from the Construction Industry Research and Information Association (CIRIA)*.

Voros, J. (2003). A generic foresight process framework. *Foresight*, 5(3): 10-21.